

Criminological Analysis of State Crime Based on Game Theory

Nabiollah Gholami*

PhD, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Hussein Gholami

Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Explaining new phenomena and events in various fields using macro and interdisciplinary theories and strategies is one of the practical tools for better understanding of these phenomena in order to adopt appropriate management-executive approaches to them. Therefore, understanding the concept of "Government Crime" as a systematic violation of citizens' rights by the government, under "Game Theory" as one of the strategic theories to explain phenomena and events in the fields of social sciences and international relations, is a matter that is both from the perspective of understanding and promotion. The so-called government crime literature is worthy of attention in terms of attention to the objective and practical aspects of identifying and responding to government crimes. Therefore, in this article, considering the state and citizens as two main actors in different fields, and using the principles and elements of game theory, it has been argued that the actors participating in a game have rationality and by calculating their possible profit and loss participate in the game process and seek maximum profit and minimum loss. These actors reach equilibrium at a point known as the saddle point - in which each actor has gained a certain amount of profit and loss. This point is the point where it is no longer possible to receive more profit and less loss for any of the parties, and if the game continues, they will suffer a decrease in profit and an increase in loss. Finally, it has been concluded that the states, with tools such as bringing other actors into their playing field with citizens, using rents and information tools, changing the rules and regulations governing the game, cause the balance to be disturbed and the saddle point to be shifted to turned towards themselves and thus cause systematic violation of citizens' rights.

Keywords: State Crime, Game Theory, Saddle Point, State- Corporate Crime.

* Corresponding Author: Nabiollah.gholami@yahoo.com

How to Cite: Gholami, N., & Gholami, H. (2022). Criminological Analysis of State Crime Based on Game Theory. *Journal of Criminal Law Research*, 10(38), 9-35. doi: 10.22054/JCLR.2022.42028.1912

تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریه بازی

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نبین‌اله غلامی ^{ID}*

استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

حسین غلامی ^{ID}

چکیده

تبیین پدیده‌ها و وقایع نوپدید در حوزه‌های مختلف با استفاده از نظریه‌ها و راهبردهای کلان و میان‌رشته‌ای، از جمله ابزارهای کاربردی برای فهم بهتر این پدیده‌ها به منظور اتخاذ رویکردهای مدیریتی - اجرایی مناسب در مقابل آن‌ها است. از اینرو فهم مفهوم «جرم حکومتی» به مثابه نقض نظام‌مند حقوق شهروندان توسط حکومت، ذیل «نظریه بازی» به عنوان یکی از نظریه‌های راهبردی برای تبیین پدیده‌ها و وقایع در عرصه‌های علوم اجتماعی و روابط بین‌المللی، موضوعی است که هم از منظر درک و ارتقاء ادبیات موسوم به جرم حکومتی، و هم از نظر توجه به جنبه عینی و عملی بایسته‌های شناسایی و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، واجد توجه می‌باشد. از اینرو در نوشتار حاضر، با تلقی حکومت و شهروندان به مثابه دو کنشگر اصلی عرصه‌های مختلف، و با بهره‌گیری از اصول و ارکان نظریه بازی، اینگونه استدلال شده است که کنشگران شرکت‌کننده در یک بازی دارای عقلانیت بوده و با محاسبه سود و زیان احتمالی خود در فرآیند بازی شرکت کرده و در پی کسب حداکثر سود و حداقل زیان هستند. این کنشگران در نقطه‌ای موسوم به نقطه زینی - که در آن هر یک از کنشگران میزانی از سود و زیان را به دست آورده‌اند - به تعادل می‌رسند؛ این نقطه، نقطه‌ای است که دیگر امکان دریافت سود بیشتر و زیان کمتر برای هیچ کدام از طرفین وجود ندارد و در صورت ادامه بازی دچار کاهش سود و افزایش ضرر خواهند شد. در نهایت نیز این گونه نتیجه‌گیری شده است که حکومت‌ها با ابزارهایی نظیر وارد ساختن کنشگران دیگر به عرصه بازی خود با شهروندان، استفاده از رانت‌ها و ابزارهای اطلاعاتی، تغییر دادن قواعد و مقررات حاکم بر بازی، باعث بر هم خوردن تعادل و جابه‌جایی نقطه زینی به سوی خود شده و بدین سان موجبات نقض نظام‌مند حقوق شهروندان را فراهم می‌آورند.

واژگان کلیدی: جرم حکومتی، نظریه بازی، نقطه زینی، فساد اداری.

مقدمه

با گذار از رویکردها و نظریه‌های سنتی-ایدئولوژیک مبنی بر اصالت و تفوق حکومت بر شهروندان، از اوایل دهه ۱۹۷۰، طرفداران دیدگاه موسوم به «نولیبرال» با شعار حکومت کوچک، بر این نظر پافشاری می‌کردند که حکومت نه تنها عامل توسعه و پیشرفت نیست بلکه مهم‌ترین مانع برای توسعه نیز به شمار می‌آید (صدیق سروستانی، ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۴: ۱۴۹). به رغم اینکه شاید دیدگاه مذکور را رویکردی افراطی و تا مرز مفهوم «الغاگرایی» برای حکومت‌ها در نظر گرفت، با این حال، در عمل موجبات کاسته شدن از کنشگری حکومت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، و افزایش توجه به نهادهای جامعه مدنی و ارتقاء کنشگری آن‌ها را فراهم آورد. در ادامه با توسعه دیدگاه‌های موسوم به چپ، تابوی معصومیت حکومت‌ها در هم شکسته شد و از این به بعد بود که حکومت‌ها نیز در قبال تصمیمات و رفتارهای خود دارای مسئولیت شناخته شدند (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶: ۷۵). مسئولیتی که هر چند تا پیش از آن در قالب مسئولیت حقوقی/مدنی مورد توجه قرار گرفته شده بود، با این حال، با تولد ادبیات موسوم به «جرم حکومتی»^۱، توجه به رفتارهای آسیب‌زای حکومت به عنوان موضوعی کیفری-جرم‌شناختی، مورد توجه قرار گرفت، و از این به بعد بود که توجه به حکومت‌ها به مثابه «بزه‌کاران» و مرتکبان «مهم‌ترین جرایم» (گرین و وارد، ۱۳۹۸: ۹) معطوف شد و حاکمیتی که تا پیش از آن، به عنوان کنشگری مقتدر در جنبه‌های مختلف زندگی افراد دخالت می‌کرد، روز به روز محدوده عملکردی خود را بسته‌تر یافت. تداوم ایجاد محدودیت (ولو به صورت نظری) برای حکومت‌ها، افزایش و گسترش رویکردهای انتقادی در حوزه‌های مختلف (و به طور خاص در جرم‌شناسی)، شکل‌گیری مفهومی تحت عنوان «آسیب‌اجتماعی‌شناسی»^۲ و مواردی از این قبیل، در عین حال که باعث تسریع در افزایش بار مسئولیت حکومت‌ها شده، این گزاره را به شکل کاملاً محسوسی تقویت نموده که دیگر نمی‌توان و نباید حکومت‌ها را کنشگر بلامنازع و بلارقیب عرصه‌های مختلف در نظر گرفت. بلکه در عرصه‌های مختلف، می‌بایست در کنار حکومت- و در

1. State Crime.
2. Zemiology.

عرض آن - برای نهادهای جامعه مدنی و نیز برای عمومی شهروندان قائل به حق کنشگری شد. تلقی نوین از شهروندان به مثابه کنشگران فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، و تعارض و تراحم بین حقوق آن‌ها و حقوق کنشگر سنتی عرصه‌های اجتماعی (حکومت)، ایجاد رقابت و لاجرم در برخی موارد تخصم بین این دو کنشگر را موجب می‌شود. یکی از این موقعیت‌های مخاصمه‌ای را می‌توان تخصم بین حکومت و شهروندان در راستای وقوع جرم حکومتی دانست، بدین معنا که رخداد جرم حکومتی را معلول فرآیندی بدانیم که در آن بین حکومت و شهروندان برای دستیابی به اهدافی خاص منازعه و درگیری رخ می‌دهد و هریک در پی دستیابی به ایدآل‌های مطلوب خود هستند. موضوعی که می‌توان آنرا ترجمان «نظریه بازی»^۱ ذیل ادبیات جرم حکومتی در نظر گرفت. نظریه‌ای که برای تحلیل گرانی که قضایای سیاسی و حقوقی را در چارچوب نظریه اقتصاد کلاسیک تحلیل می‌کرده‌اند گزینه و بدیلی جدید فراهم کرده است (بیکس، ۱۳۹۰: ۳۳۵)، و مبتنی بر تعریف کنشگری کنشگران به عنوان طرفین یک بازی است که هریک به دنبال افزایش سود و کاهش زیان خود هستند.

با توجه به موارد مذکور، تبیین مفهوم جرم حکومتی با استفاده از اصول نظریه بازی، از اینرو به عنوان هدف اصلی این نوشتار برگزیده شده، که به جهت ارتباط حوزه جرم حکومتی با مباحث مختلف سیاسی، اجتماعی و ...، تبیین این مفهوم با استفاده از نظریه بازی می‌تواند به نگرشی عملی و کاربردی به مفهوم جرم حکومتی بینجامد. مفروض اصلی این نوشتار نیز مبتنی بر این نکته است که «در بازی بین حکومت و شهروندان، حکومت به دلیل داشتن امکانات و دسترسی به منابع قدرت، نقطه تعادل زینی را هرچه بیشتر به سمت افزایش سود و کاهش ضرر خود متمایل می‌کند و بدین سان باعث رخداد جرم حکومتی می‌شود». در نوشتار حاضر، نخست مفاهیم کلیدی جرم حکومتی و نظریه بازی بیان شده‌اند (۱)، سپس با در نظر گرفتن کنش حکومت و شهروندان به عنوان یک بازی، عناصر دخیل در رفتار هریک

1. Game theory.

از کنشگران بر مبنای نظریه بازی بیان شده (۲) و در نهایت به تحلیل بازی بین حکومت و شهروندان پرداخته شده است (۳).

۱. مفاهیم و تعاریف

۱-۱. جرم حکومتی

جرم حکومتی برابر نهاد اصطلاح «State Crime»، متشکل از دو واژه جرم «Crime» و حکومت «State» است. به رغم وجود مباحث نظری مختلف در خصوص تعریف «جرم» و «حکومت» در رویکرد جرم حکومتی، و با پذیرش اصل اختلاف نظر در این حوزه، تعریف «نقض نظام مند حقوق بشری شهروندان ناشی از انحراف ساختاری حکومت» به عنوان تعریف مختار از جرم حکومتی (غلامی و غلامی، ۱۳۹۹: ۳۳) در این نوشتار پذیرفته شده و حکومت نیز به مثابه کلیت ساختاری حاکم بر یک کشور که با نهادها و کارگزاران حکومتی متفاوت است (غلامی، ۱۴۰۱: ۲۴۳)، در نظر گرفته شده است. از تعریف مذکور نکات زیر قابل استنباط می‌باشد:

نخست. هرچند، برخی جرم حکومتی را شیوه‌های سازمان‌یافته‌ای ذکر کرده‌اند که به دنبال پیگیری اهداف و منافع حکومت انجام شده‌اند (Friedrichs, 2000: 55). با این حال با توجه به تعریف مختار در این نوشتار، پیگیری اهداف و منافع حکومت در صورتی می‌تواند ذیل عنوان جرم حکومتی در نظر گرفته شود که منجر به نقض حقوق شهروندان شود، در غیر اینصورت، پیگیری اهداف یک حکومت توسط خود حکومت، فی‌الذمه نمی‌توان مشمول عنوان جرم حکومتی در نظر گرفت.

دوم. به رغم اینکه برخی، «غیرقانونی» را از جمله ارکان جرم حکومتی در نظر گرفته‌اند (Kazularih, Matero, Miller, 2011: 18). با این حال باید توجه داشت که اگر منظور از غیرقانونی بودن را، ارتکاب رفتار برخلاف قوانین مصوب (از جمله قوانین داخلی) در نظر بگیریم، با این ایراد مهم مواجه می‌شویم که حکومت همزمان خود مقنن و ناقض قوانین می‌باشد. به علاوه در بسیاری از موارد، حتی قوانین مصوب که ظاهراً فرایندهای رسمی تقنینی

را سپری کرده‌اند، نیز به نوعی ناقض حقوق شهروندان محسوب می‌شوند. از اینرو غیرقانونی بودن را نباید الزاما به معنای مخالفت با قوانین موضوعه، بلکه به معنای مخالفت با حقوق بشری اشخاص در نظر گرفت.

سوم. با توجه به تعریف مختار از جرم حکومتی، حکومت را باید به مثابه متابه گروه‌های بزهکار (Tilly, 1985: 171) در نظر گرفت که به صورت جمعی مرتکب جرم می‌شوند؛ از اینرو، جرایم ارتكابی توسط اشخاص و کارگزاران حکومتی، را از شمول این مفهوم خارج می‌دانیم. همچنین انحراف سازمانی را به مثابه تغییر مسیر کل سازمان (حکومت)، یا قسمتی از آن (مانند اداره پلیس) (گرین و وارد، ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۴۰) می‌دانیم؛ و، حقوق بشر، نیز حقوقی دانسته شده که همه افراد صرف نظر از نژاد، ملیت و ... از آن برخوردار هستند (روث و کازلاریچ، ۱۳۹۹: ۳۶).

۲-۱. نظریه بازی و مفاهیم کاربردی آن

۱-۲-۱. مفهوم نظریه بازی

نظریه بازی را ریاضیدانانی ابداع کردند که علاقه خاصی به پدیده‌های سیاسی داشتند و امروزه حاصل کار آنها را نوعی نظریه عمومی درباره پدیده‌های اجتماعی و سیاسی می‌دانند (اسنایدر، ۱۳۸۷: ۱۲۵). نظریه بازی نخستین بار توسط «امیل بور»^۱ ریاضیدان فرانسوی در سال ۱۹۲۱ میلادی ایجاد شد. بعدها در سال ۱۹۲۸ میلادی «جان فون نیومان»^۲ برای تکمیل این نظریه، مدعی اثبات قضیه «کمترین-بیشینه»^۳ شد و همراه با «اسکار مورگنسترن»^۴ نظریه بازی را به عنوان روشی دقیق برای تجزیه و تحلیل موقعیت‌های تعارض آمیزی که متضمن منافع دوجانبه در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد و جنگ است مطرح کرد (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۷۶). در این نظریه، فرض بر این است که بازیگران عاقل هستند، یعنی استراتژی انتخابی

1. Émile Borel.

2. John Von Neuman.

۳. در خصوص این مفهوم در ادامه بحث خواهد شد.

4. Oskar Morgenstern.

آنها در راستای منافع‌شان است (صادقی سقدل، برومند، ۱۳۹۱: ۶۳)، بدین معنا که شرکت‌کنندگان در بازی با محاسبه‌گرایی عقلانی و با حدس زدن اقدامات طرف مقابل خود عمل کرده و سعی می‌کنند از طرف مقابل خود امتیاز کسب کنند (دوئرتی، فالتزگراف، ۱۳۸۹: ۷۷۷). نظریه بازی به مسئله تصمیم‌گیری به این صورت می‌نگرد که کارایی، بازدهی و نتایج رفتار فرد یا مؤسسه نه فقط به انتخاب و تصمیم خود بلکه همانند یک بازی به انتخاب و تصمیم دیگران هم وابسته است (مرتضوی کیاسری، رباط میلی، ۱۳۸۶: ۸۳).^۱

انواع بازی‌های رایج را که در تحلیل‌های اقتصاد شهری نیز به صورت گسترده‌ای از آنها استفاده می‌شود می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد: ۱. بازی متقارن-نامتقارن^۲: بازی متقارن نوعی از بازی است که نتیجه و سود حاصل از یک راهبرد تنها به این وابسته است که چه راهبردهای دیگری در بازی پیش گرفته شوند و از اینکه کدام بازیگر این راهبرد را در پیش گرفته مستقل است؛ به عبارت دیگر، اگر مشخصات بازیگران بدون تغییر در سود حاصل از بکارگیری راهبردها بتوانند تغییر کنند، این بازی متقارن است. در مقابل، در بازی‌های نامتقارن، مجموعه راهبردهای یکسانی در بازی برای بازیگران وجود ندارد. البته ممکن است راهبردهای یکسانی برای بازیکنان موجود باشند ولی آن بازی نامتقارن باشد (RSAS, 2005)؛^۲ مجموع صفر-مجموع غیر صفر^۳: در یک بازی با حاصل جمع صفر، هر امتیازی که هر یک از بازیگران به دست بیاورد به همان اندازه بازیگر دیگر امتیاز از دست می‌دهد. از این رو، در چنین شرایطی در انتها امتیاز یکی از بازیگران +۱ و امتیاز بازیگر دیگر -۱ است، اما در بازی با حاصل جمع غیر صفر، منافع هر کدام از بازیگران لزوماً با کاهش منافع بازیگر دیگر همراه نیست. در این حالت منافع بازیگران با یکدیگر همراستا و سازگار است (Shuic, 1964: 50)؛^۳ تصادفی- غیر تصادفی^۴: بازی‌های تصادفی شامل عناصر تصادفی مانند ریختن تاس هستند و بازی‌های غیرتصادفی بازی‌هایی منطقی نظیر شطرنج هستند. ۴. با

۱. می‌توان نظریه بازی را از جهت مفروض دانستن عقلانیت در کنش‌های کنشگران شبیه به نظریه‌های بازدارندگی و انتخاب عقلانی در جرم‌شناسی دانست.

2. Symmetric - Asymmetric.
3. Zero Sum - Nonzero Sum.
4. Random - Nonrandom.

آگاهی کامل - بدون آگاهی کامل^۱: بازی‌های با آگاهی کامل بازی‌هایی هستند که تمام بازیکنان می‌توانند در هر لحظه، تمام ترکیب بازی را در مقابل خود مشاهده کنند، مانند شطرنج. از سوی دیگر، در بازی‌های بدون آگاهی کامل، ظاهر و ترکیب کل بازی برای بازیکنان پوشیده است، مانند بازی‌هایی که با ورق انجام می‌شود (یگانگی دستگرددی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

۱-۲-۲. نقطه زینی

نقطه‌ای است که در آن، کمینه و بیشینه ارزش‌های موجود به هم می‌رسند که در واقع این نقطه به «کمترین-بیشینه» معروف است (درویشی و رضایی، ۱۳۸۹: ۷۴). بازیگران در نقطه‌ای به نام نقطه زینی^۲ (کمترین-بیشینه)، که بیشترین مقدار سود ممکن و کمترین ضرر را دارد به تفاهم می‌رسند، زیرا در صورت عدم پذیرش، پیامدهایی که برای آنها ایجاد می‌شوند بیشتر است (درویشی و رضایی، ۱۳۸۹: ۷۰). به عنوان مثال، در درگیری بین نیروهای نظامی یک کشور و نیروهای چریکی، نیروهای نظامی می‌توانند یکی از این دو استراتژی را انتخاب کنند: یا در تعقیب نیروهای چریک وارد مناطق مرزی شوند و یا اینکه از پادگان‌ها و مناطق حساس خود محافظت کنند. چریک‌ها هم دو استراتژی می‌توانند داشته باشند: یا با حمله به مناطق حساس و حفاظت شده وارد درگیری شدید با نیروهای حکومتی شوند و یا اینکه در مناطق مرزی اقدام به درگیری ایذایی و پراکنده نمایند. نیروهای نظامی در جنگ در فضای باز و نزدیک مناطق خود بیشینه منفعت و کمینه ضرر را دارند و نیروهای چریک نیز در مناطق مرزی بیشینه منفعت و کمترین ضرر را دارند. از این رو، نقطه زینی در این حالت این است که نیروهای نظامی در مناطق حساس خود باقی می‌مانند و اقدام به حفاظت از مناطق خود می‌کنند و نیروهای چریک نیز به صورت پراکنده سعی در ضربه زدن به نیروهای نظامی دارند (Shubic, 1967: 274).

1. Perfect Knowledge - Non Perfect Knowledge.
2. Saddle point.

۱-۲-۳. استراتژی

معمولاً استراتژی به معنی یک نقشه ماهرانه است ولی در نظریه بازی، استراتژی به معنی یک نقشه کامل است، آن اندازه که حریف یا طبیعت نتواند آن را به هم بزند. استراتژی اشاره به مجموعه حرکت‌هایی دارد که پیشاپیش در مورد آنها تصمیم‌گیری شده و بازی را به گونه‌ای انجام می‌دهد که قطع نظر از تصمیم حریف، استراتژی هر فرد در خصوص رفتار بالقوه رقبای وی را مدنظر قرار می‌دهد (اسنایدر، ۱۳۸۷: ۱۲۸)، از این رو، وقتی یک بازیکن برای اجرای تصمیمات و انتخاب‌هایش محاسبات دقیقی از توانایی‌ها و تصمیمات خود و همچنین واکنش حریف نسبت به رفتار و تصمیمات خود داشته باشد، گفته می‌شود که او «تفکر استراتژیک» دارد (پاندستون، ۱۳۸۶: ۱۳).

۱-۲-۴. معمای زندانی

اصطلاح «معمای زندانی» ساده‌ترین و اصلی‌ترین مفهوم در نظریه بازی است و به عنوان مثالی متداول برای این موضوع است که چرا و چگونه افرادی که در جهت منافع شخصی خودشان عمل می‌کنند نمی‌توانند همیشه به پیشبرد خیر اجتماعی کمک کنند (بیکس، ۱۳۹۰: ۳۱۱). دو نفر را در نظر بگیرید که متهم به مشارکت در ارتکاب یک جرم هستند و به طور جداگانه نگهداری و بازجویی می‌شوند؛ هر دو می‌دانند که اگر یکی به جرم اقرار کند و دیگری سکوت کند، اقرارکننده علیه سکوت‌کننده شهادت خواهد داد و آزاد خواهد شد، در حالی که زندانی سکوت‌کننده محکوم شده و مجازات سنگینی را متحمل خواهد شد. اگر هر دو سکوت کنند هر دو فقط به حداقل مجازات محکوم خواهند شد و اگر هر دو اقرار کنند، هر دو به مجازات حبس بلندمدت محکوم خواهند شد (گرچه نه به بلندی مدت حبسی که در صورت عدم اقرار محکوم می‌شدند).

	اقرار A	عدم اقرار A
اقرار B	A: ۸ سال حبس B: ۸ سال حبس	A: ۱۲ سال حبس B: بدون مجازات

عدم اقرار B	A: بدون مجازات	A: ۱ سال حبس
	B: ۱۲ سال حبس	B: ۱ سال حبس

گرچه هر دو زندانی می‌دانند که همکاری آنها با یکدیگر (و اقرار نکردن) منجر به بهترین نتیجه برای آنها خواهد بود (روی هم‌رفته ۲ سال حبس، در مقابل ۱۲ و ۱۶ سال حبس برای موارد دیگر)، به نظر نمی‌رسد از دیدگاه فردی، «اقرار نکردن» تصمیمی عاقلانه باشد. به عنوان مثال، دورنمایی که برای شخص A متصور است این گونه است: اگر B اقرار کند، بهتر است من هم اقرار کنم (زیرا ۸ سال حبس بهتر از ۱۲ سال حبس است)؛ اگر B اقرار نکند، باز هم بهتر است من اقرار کنم (زیرا حبس نرفتن بهتر از ۱ سال حبس است). دور نمای B نیز همین گونه است. از این رو، به واسطه تصمیم‌گیری فردی عقلانی، هر دو زندانی از بهترین نتیجه مشترک (روی هم‌رفته ۲ سال حبس) به بدترین نتیجه مشترک (روی هم‌رفته ۱۶ سال حبس) می‌رسند (بیکس، ۱۳۹۰: ۳۱۲). از معمای زندانی به عنوانی دلیلی مفروض برای اثبات این موضوع استفاده می‌شود که منفعت شخصی به «فریبکاری» و «عهدشکنی» خواهد انجامید، حتی زمانی که همکاری دو نفر موجب منفعت اجتماعی می‌شود (بیکس، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

۲. عناصر درگیر در جرم حکومتی به مثابه یک بازی

بعد از بیان مفهوم نظریه بازی، به بررسی و بیان عناصر این نظریه پرداخته خواهد شد، با این توضیح که برخی از این عناصر به صورت عینی و مبتنی بر کنش طرفین بازی و برخی دیگر ذهنی و مبتنی بر تصمیمات و کنش‌های ذهنی افراد هستند.

۲-۱. کنشگران؛ (که سعی در کسب پیروزی یا بهینه کردن شرایط خود دارند) در خصوص جرم حکومتی، در بادی امر، دو کنشگر ایفای نقش می‌کنند: حکومت و مردم. به‌رغم اینکه در ظاهر مفهوم حکومت مفهومی واضح می‌نمایاند، تعاریف مختلف و متفاوتی از این اصطلاح ارائه شده است. از منظر حقوق بین‌الملل، ماده ۱ کنوانسیون مونته‌ویدئو در

خصوص حقوق و تکالیف حکومت‌ها (۱۹۳۳)، مفهوم حکومت را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند: ۱. جمعیت دائمی؛ ۲. سرزمین معین؛ ۳. دولت؛ ۴. حاکمیت (توانایی برقراری ارتباط با سایر کشورها). بر این اساس حکومت در این تعریف معادل واژه «State» و به معنای هیئت حاکمه و کل نظام و ساختار سیاسی یک کشور است و منظور از «حکومت» قوه مجریه در مفهوم خاص آن است (موسی‌زاده، ۱۴۰۰: ۳۵) برخی از نویسندگان نیز حکومت را معادل کشور دانسته‌اند و آن را اجتماع دائم و منظم گروهی از افراد دانسته‌اند که در سرزمینی مشخص به طور ثابت استقرار یافته و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۲۰۲). با این حال، به نظر می‌رسد همانطور که گفته شده مفهوم حکومت در حقوق کیفری، حکومت در مفهوم عام بوده و شامل تمام سازمان‌های اداری، قضایی و قانونگذاری است (زراعت، صفری، ۱۳۹۱: ۱۲). صرف نظر از مباحثی که در خصوص مفهوم شهروند مطرح شده،^۱ شهروند به کسی گفته می‌شود که به علت عضویت در یک واحد سیاسی یعنی حکومت-کشور، دارای حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی است (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵). بنابراین، جرم حکومتی را می‌توان عرصه کنشگری بین حکومت در مفهوم عام آن و شهروندان دانست. البته در این میان ممکن است حکومت و برخی از نهادهای حکومتی نیز در جریان این کنش دچار آسیب شوند و یا اینکه برخی از نهادها نظیر NGO ها نیز در کنش بین حکومت و شهروندان وارد شوند؛ با این حال، نقش اصلی را همچنان حکومت در مفهوم عام و شهروندان در مفهوم خاص آن - شهروندان عادی و معمولی هر جامعه - ایفا می‌کنند.

۲-۲. مجموعه‌ای از قواعد^۲ حاکم بر بازی
قواعد و قوانین حاکم بر بازی را می‌توان مجموعه قوانینی دانست که به تبیین و تعریف رابطه شهروندان با حکومت می‌پردازند؛ قواعد و اصول حکومتی یعنی قوانین حکومتی بر کلیه

۱. رک. به سروی مقدم، مصطفی (۱۳۹۳)، «تفسیر مفهوم شهروند در قوانین ایران»، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، شماره ۴، صص. ۹۳ تا ۱۰۸ و نیز رک. به نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵).

قوانین برتری و تفوق دارند که در این مبحث می‌توان آنها را قوانین و مقرراتی دانست که به تعریف و تبیین مفهوم جرم می‌پردازند؛ نکته مهم اینکه تعریف جرم یک تعریف حکومتی است و قوه مقننه به عنوان یکی از جلوه‌های قدرت حکومت، جرم را بر اساس معیارهای خاص حکومت تعریف می‌کند. از این روست که جرم را نقض یکی از قوانین حکومت ناشی از فعل خارجی انسان دانسته‌اند. کوئینی در کتاب «نظریه واقعی اجتماعی جرم» ماهیت جرم (در نظام سرمایه‌داری) را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند: ۱. جرم محصول و تولید قانون است؛ ۲. قانونگذاران تحت تأثیر قدرتمندترین بخش جامعه هستند؛ ۳. فعالیت‌هایی که در ارتباط با قدرتمندترین بخش جامعه هستند احتمال بیشتری دارد که غیرقانونی معرفی شوند؛ ۴. برای بخش‌هایی از جامعه که در تولید قانون نقش ندارند این احتمال زیاد وجود دارد که رفتارهای آنها به عنوان جرم تعریف شود (Neubeck, 2007: 499).

۲-۳. شرایط اطلاعاتی

منظور از شرایط اطلاعاتی^۱، اطلاعاتی است که هر یک از کنشگران بازی در خصوص شرایط خود، کنشگر دیگر، محیط بازی و شرایط و اوضاع و احوال دیگر دارد و با استفاده از آن، قادر به پیش‌بینی رفتارهای رقیب است و یا می‌تواند در رفتارهای خود تجدیدنظر کند. در برخی از بازی‌های سیاسی، کنشگران ممکن است از جاسوس‌ها و نهادهای اطلاعاتی هم استفاده کنند (اسنایدر، ۱۳۸۷: ۱۳۰). در خصوص جرم حکومتی، رانت اطلاعاتی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعیین‌کننده است؛ در رانت اطلاعاتی از فاصله زمانی بین اتخاذ یک تصمیم تا اعلام عمومی و اجرای آن سوءاستفاده می‌شود، بدین معنا که نهادهای تصمیم‌گیرنده به خاطر دسترسی به اطلاعات خاصی که در اختیار دارند بهتر می‌توانند شرایط و اوضاع و احوال را تحت کنترل خود داشته باشند. از مهم‌ترین منابع ایجاد رانت نیز می‌توان به انحصارات حکومتی و غیرحکومتی و سیاست‌های کنترل قیمت‌ها اشاره کرد. در شرایط غیررقابتی، وجود انحصارات در هر جامعه از مهم‌ترین منابع رانت محسوب می‌شود. انحصارات معمولاً از حکومت ناشی می‌گردند و انحصار قدرت در دست حکومت در اکثر

1. Information conditions.

موارد به انحصار در زمینه‌های اقتصادی، اطلاعاتی و ... می‌انجامد. به علاوه انحصار قدرت در دست حکومت باعث می‌شود در برخی از موارد حکومت با قصد حمایت از نیروی کار، اقدام به افزایش دستوری حقوق و دستمزدها نماید که این امر با توجه به کم بودن نرخ بهره‌وری شرکت‌ها و مؤسسات و نیز نبود اتحادیه‌های کارگری - که نقش هماهنگ کننده کارگرا را دارند - سبب تعدیل نیروی کار زیادی می‌شود (صادقی سقدل، برومند، ۱۳۹۱: ۵۴) و همین امر در عمل باعث بروز آسیب‌های اجتماعی در مفهوم وسیع آن می‌شود. قیمت گذاری کالاها و خدمات توسط حکومت در شرایطی که قیمت آن کالاها و خدمات در بازار بالاتر است، نیز از منابع مهم رانت محسوب می‌شود. به طور کلی انحصاری بودن حکومت و عدم امکان رقابت بخش‌های خصوصی با حکومت زمینه‌ساز رانت و به طبع آن فسادهای اقتصادی و اداری می‌شود.

۲-۴. محیط کلی بازی

محیط کنشگری حکومت و شهروندان را می‌توان در دو زمینه بررسی کرد: از نظر محیط فیزیکی و از نظر عرصه‌های رقابتی. از نظر محیط فیزیکی، به صورت سنتی فضای جغرافیایی هر کشور به عنوان محیط کنش حکومت و مردم ساکن در آن به حساب می‌آید؛ سرزمین هر کشور مکانی است که افراد تحت حاکمیت مطلق حکومت در آن به کنش با سایر شهروندان (و با حکومت) می‌پردازند (جلال پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲). با این حال، با گسترش پدیده جهانی شدن، امروزه حکومت از شکل سرزمینی و ژئوپولیتیکی خاص و ثابت خود خارج شده و بسیاری از الگوهای رفتاری دیگر تابع سرزمین مشخص نیستند (جلال پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲).

از نظر عرصه‌های رقابتی، الگوی سنتی عرصه فعالیت حکومت دربرگیرنده رفتارهای حاکمیتی و تصدی‌گرانه حکومت است. هرچند در دوران معاصر، نقش تصدی‌گری حکومت رو به زوال است و کارکرد حکومت بیشتر متمایل به نظارت و هدایت فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی است (صدیق سروستانی، ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۴: ۱۵۶)، در بسیاری

از کشورهای جهان، حکومت کماکان نقش بسیار مهمی در عرصه امور مربوط به تصدی و حاکمیتی دارد. به عنوان یکی از مصادیق عرصه‌های رقابتی بین حکومت و شهروندان، می‌توان نقش حکومت در عرصه‌های اقتصادی را مثال زد؛ در یک بازار آزاد، نقطه تعادل را سیستم قیمت‌های بازار کار تعیین می‌کند اما در شرایط اقتصادی حکومتی، این تعادل به وسیله نیروهای غیرمرتبط ایجاد می‌شود. یکی از این نیروها که بسیار قوی است و تأثیر بسیاری در بازار و اقتصاد دارد حکومت است (صادقی سقدل، برومند، ۱۳۹۱: ۵۳). حکومت در کنار نقش مهم خود در وجود یا عدم اتحادیه‌های کارگری، با بکارگیری اهرم‌های پولی و مالی نقش بسیار مهمی در زندگی نیروی کار ایفا می‌کند. بی‌انضباطی‌های پولی و مالی، که عاملی مهم در جهت افزایش تورم هستند تأثیر عمده‌ای بر وضعیت زندگی، قدرت خرید و مسائلی از این دست دارند (صادقی سقدل، برومند، ۱۳۹۱: ۵۴).

۲-۵. پرداخت‌ها

ممکن است پرداخت‌ها^۱ برای بازیگران مختلف بر پایه نظام ارزشی آنها معنای مختلفی داشته باشد، به عبارتی پرداخت عبارت است از ارزش بازی بر اساس بردها و باخت‌ها و پیشرفت مثبت یا منفی در پایان بازی (اسنایدر، ۱۳۸۷: ۱۲۹). به بیان دیگر، منظور از پرداخت‌ها هزینه‌هایی است که هر یک از طرفین برای رفتارهای خود می‌پردازد. این هزینه‌ها را می‌توان ضمانت اجراهای (کیفری، مدنی، اداری) دانست که هر یک از کنشگران در قبال رفتارهای ارتكابی خود ممکن است با آن مواجه شود.

در خصوص پرداخت‌های حکومت و شهروندان در عرصه کنشی که با یکدیگر دارند باید بسته به نوع حکومت‌ها قائل به تفکیک شد. حکومت‌های توتالیتر اساساً قائل به ارتكاب جرم حکومتی توسط حکومت نیستند. در این جرایم حکومت با رد دیدگاه‌های مبتنی بر مسئولیت حکومت، با مقصّر قلمداد نمودن افراد در ارتكاب جرم، مسئولیت خود را در برابر بزه‌دیده انکار می‌نماید. به علاوه قدرت فائقه این حکومت‌ها باعث می‌شود در عمل، تنها شهروندان مرتکب جرم قلمداد شده و در حالات استثنایی مسئولیت حکومت نیز، اشخاص

1. Payoffs.

حقیقی شاغل در مناصب حکومتی - و نه حکومت به عنوان یک شخص حقوقی - مسئول جرم ارتكابی قلمداد شوند. برعکس در کشورهایی که به نوعی پذیرای مسئولیت برای کنش‌های حکومت‌مردان هستند، پرداخت‌های حکومت برای رفتارهای زیان‌بارش، هم‌عرض و در پاره‌ای موارد شدیدتر از پرداخت‌های شهروندان آن جامعه است. این نوع رویکرد را در برخی از کشورهای آسیای شرقی نظیر ژاپن می‌توان به وفور مشاهده کرد.

۳. تحلیل موضوع

در خصوص تبیین مفهوم جرم حکومتی با استفاده از نظریه بازی، توجه به دو نکته ضروری است: نخست با توجه به اینکه، اساس و مبنای نظریه بازی، مبتنی بر عقلانیت کنشگران می‌باشد، از این رو برخی از جرایم حکومتی که حداقل در ظاهر، فاقد عقلانیت بوده^۱ از شمول این بررسی خارج هستند؛ دوم، برخلاف رویکردهای رادیکال در حوزه مخالفت با دامنه و قلمرو حکمرانی حاکمیت‌ها، که گاه تا الغاء‌گرایی نیز پیش می‌رود، کاربست نظریه بازی در حوزه جرم حکومتی، بر وجود حکومت (ولو توتالیترا) مبتنی است.

۳-۱. ارتكاب جرم حکومتی از طریق افزایش کنشگران در بازی

همان‌گونه که ذکر شد، حکومت و شهروندان به صورت سنتی، به عنوان دو کنشگر اصلی، در بستر محیط جغرافیایی هر کشور ایفای نقش می‌کنند و ارتكاب جرم حکومتی به معنی برتری و تفوق حکومت بر شهروندان خود است. در عصر جدید، و با تبدیل جهان به دهکده جهانی، دیگر کنشگران بازی محدود به حکومت و شهروندان نبوده بلکه نهادهای غیرحکومتی (NGOs)، شرکت‌های بزرگ خصوصی و نیمه‌حکومتی و ... از دیگر بازیگرانی هستند که در روابط بین حکومت و شهروندان ایفای نقش می‌کنند. در خصوص این سازمان‌ها و شرکت‌ها، باید بین سازمان‌های مردم‌نهاد که عموماً دارای خصیصه غیراقتصادی

۱. به عنوان مثال، مخاطرات طبیعی به عنوان یکی از انواع جرایم حکومتی از جمله جرایمی است که فاقد عقلانیت در معنای خاص آن است. هرچند در این نوع از جرایم هم دولت دارای مسئولیت است، با توجه به اینکه معمولاً اصل وقوع مخاطرات طبیعی خارج از قدرت کنترل بشر است، ذیل جرایم عقلانی قابل تقسیم‌بندی نیست. در این خصوص رک: گرین و وارد: ۱۳۹۸: ۹۳-۱۱۳.

هستند و سازمان‌های مالی و اقتصادی قائل به تفکیک شد. در گروه نخست، اساساً هدف از تشکیل، ایجاد بستر برای افزایش مشارکت مدنی شهروندان و نیز نظارت بر فعالیت‌های منحرفانه حکومت است، که طبیعتاً این گونه نهادها با کاستن از قدرت حکومت زمینه ارتکاب جرم حکومتی را کاهش می‌دهند، اما مهم‌ترین کنشگرانی که امروز با استفاده از کمک حکومت در بازی بین حکومت و شهروندان داخل شده‌اند، مؤسسات مالی و شرکت‌های اقتصادی (ملی و بین‌المللی) هستند، هرچند این شرکت‌ها و مؤسسات در برخی موارد منجر به تضعیف و کاهش قدرت حکومت - و بالتبع کاهش احتمال رخداد جرم حکومتی - می‌شوند (جلال‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵)، با این حال، در عمل، همکاری بین حکومت‌ها و شرکت‌ها منجر به پدیده‌ای موسوم به جرایم حکومت-شرکت، به عنوان یکی از گونه‌های جرم حکومتی شده که به عنوان، تعامل دوسویه بین سیاست‌ها و شیوه‌های پیگیری اهداف یک یا چند نهاد حکومتی سیاسی و سیاست‌ها و شیوه‌های پیگیری اهداف یک یا چند نهاد تولیدی و توزیعی اقتصادی تعریف شده است (Matthews, Kauzlarich, 2000: 282).

نقش حکومت در ارتکاب فساد با استفاد از ارتباط با شرکت‌ها، در دو سطح جرایمی که حکومت با کمک شرکت‌ها مرتکب آنها می‌شود و جرایمی که حکومت وقوع آن را تسهیل می‌کند قابل بررسی است (Matthews, Kauzlarich, 2000: 283). در نوع نخست، حکومت‌ها به جای ورود مستقیم به عرصه نزع و تخاصم با شهروندان، از شرکت‌ها (اعم از دولتی، خصوصی-دولتی و خصوصی) استفاده می‌نمایند. با این توضیح که در خصوص شرکت‌های غیردولتی، معمولاً با در ارائه رانت اطلاعاتی و نیز دفاع از شرکت مورد نظر خود در مقابل سایر کنشگران اقتصادی و نیز در مقابل شهروندان، اهداف خود را پیگیری می‌نمایند. نمونه این نوع از جرم حکومت-شرکت را می‌توان در حمایت حکومت از یک یا چند شرکت خاص، در قالب کمک به انحصارگرایی آنها تبیین نمود. حکومت برای کسب درآمد از عوارض گمرکی، واردات کالای خاصی را ممنوع می‌نماید، در عین حال با ارائه کمک (نظیر اعطای وام، معافیت مالیاتی و ...) به یک شرکت داخلی، آن شرکت را به شرکت بلامنازع بازار داخلی در حوزه آن کالای خاص مبدل می‌نماید. در این حالت،

شرکت‌های غیروابسته و غیربرخوردار از رانت و کمک حکومت، یارای مقابله با شرکت مورد نظر را نداشته و از صحنه خارج می‌شوند. در این مثال، حکومت، با وارد ساختن یک شرکت به عرصه بازی بین خود و شهروندان، عملاً شهروندان را از حق دسترسی به کالای ارزان، متنوع و باکیفیت محروم می‌سازد.

در حالت دوم، شرکت خود مرتکب جرم نشده ولی با حمایت از رفتارهای کنشگری که به قلمرو بازی وارد کرده است، موجبات نقض حقوق شهروندان را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، در برخی کشورها، حکومت به صاحبان شرکت‌های نفتی، اجازه بهره‌برداری بی‌رویه از منابع نفتی کشور، همراه با آلوده کردن منابع آبی این کشور را داده و در مقابل اعتراضات مردمی، با همکاری نیروهای امنیتی خصوصی این شرکت‌ها، اقدام به سرکوب معترضین کرده است (Human Rights Watch, 1999: Ch. VII). سرکوب مخالفان، به وضوح یکی دیگر از مؤلفه‌های نظریه بازی در خصوص جرم حکومتی را نشان می‌دهد و آن نیز افزایش هزینه شهروندان است؛ به عبارت دیگر، حکومت فاسد مرتکب جرم می‌شود و در مقابل بزه‌دیدگان جرم حکومتی، با افزایش هزینه‌های آنها، عملاً آنها را دچار بزه‌دیدگی ثانویه می‌نماید.

به هر طریق، حکومت با افزایش تعمدی کنشگران، هم‌قادر خواهد بود در سطح داخلی و بین‌المللی خود را به عنوان چهره‌ای مشروع و برخوردار از مناسبات و روابط مطلوب نشان دهد، و هم می‌تواند در پی کسب اهداف خود، حقوق شهروندان را نقض نماید. در سطح داخلی، با انجام تبلیغ در خصوص حمایت از کالای داخلی^۱، حمایت از تولید و ...، و در سطح بین‌المللی با کسب وجه در خصوص توجه به بازار آزاد و تقویت بخش خصوصی. در نهایت نیز، کنش بین حکومت، شهروندان و مؤسسات و شرکت‌های اقتصادی، سرانجام در نقطه‌زینی به تعادل خواهد رسید، با این تفاوت که در این حالت، هرچند به ظاهر با ظهور شرکت‌های مالی، از قدرت حکومت کاسته شده، در عمل با توجه به اینکه اهداف حکومت

۱. نیک می‌دانیم که حمایت از کالای داخلی امری مشروع و پسندیده است، آنچه که در این نوشتار موضوع بحث است، سوءاستفاده از موضوع مذکور می‌باشد.

و شرکت‌ها همسو با یکدیگر هستند، باز هم تعادل نقطه‌ی زینی به نفع حکومت متمایل خواهد شد.

۳-۲. ارتکاب جرم حکومتی از طریق تغییر قواعد حاکم بر بازی

همان‌گونه که بیان شد، منظور از قواعد بازی در نظریه‌ی بازی مجموعه‌ای از قواعد است که روابط بین حکومت و شهروندان را تنظیم می‌نماید و حدود وظایف و مسئولیت‌های هر کدام را مشخص می‌نماید. از منظری دیگر نیز قواعد حاکم بر بازی بین حکومت و شهروندان را می‌توان توانایی طرفین برای بهره‌برداری از ابزارها و اهرم‌های متناسب دانست. بدین معنا که این قواعد و مقررات هر جامعه هستند که حوزه‌ی صلاحیت و رفتار هر کنشگر را مشخص می‌کنند. به عنوان مثال، از دیدگاه وبر تنها حکومت است که حق استفاده از زور را دارد (نوا بخش، ۱۳۸۵: ۱۴)، از این رو، هرگونه استفاده‌ی شهروندان از زور عملی نامشروع و غیر قانونی تلقی می‌شود. نتیجه‌ی منطقی پذیرش این دیدگاه، مشروعیت بخشیدن به استفاده‌ی حاکمان از زور و قدرت برای سرکوب مخالفان خود است.

از جمله راهکارهای حکومت‌های بزهکار برای ارتکاب جرم، تغییر در قواعد بازی است، به طوری که به صورت سازمانمند و برنامه‌ریزی شده، سعی در ایجاد و تغییر قواعد به سود خود داشته تا از این طریق بتواند در لوای ظاهری قانونی، اعمال منحرفانه خود را انجام دهد. یکی از مثال‌های بارز این مسئله را می‌توان، نقض حقوق شهروندان از طریق قانون‌گذاری دانست. توضیح اینکه، اگر قوانین - و در رأس آنها قانون اساسی - را به مثابه قواعد و قوانین بازی بین حکومت و شهروندان در نظر بگیریم، با توجه به اینکه حکومت خود واضع قوانین است، بیم آن می‌رود که در برخی موارد، قوانین را به سود خود تغییر داده و یا قوانین ناقض حقوق شهروندان را وضع نماید.^۱ مثال این نوع از رفتارهای حکومت را می‌توان، در اقداماتی

۱. از این منظر اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک اصل مترقی در این حوزه واجد توجه است. به موجب این اصل، «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

دانست که حکومت هندوراس در خصوص واگذاری مجوز برای احداث مزارع پرورش میگو انجام داد. هر چند طبق قانون اساسی این کشور، واگذاری زمین‌های ساحلی به غیر مردم این کشور ممنوع است، حکومت با این توجیه که طبق قانون اساسی، تنها واگذاری این زمین‌ها ممنوع است و نه اجازه بهره‌برداری از آنها، عملاً بهره‌برداری از بسیاری از زمین‌های ساحلی این کشور را به شرکت‌های پرورش میگو سپرد. با واگذاری مجوزهای بهره‌بردار توسط حکومت، شرکت‌های خصوصی اقدام به محصور کردن زمین‌های ساحلی کرده و در نتیجه دسترسی به تالاب‌های ساحلی که به طور سنتی توسط جوامع محلی برای ماهیگیری مورد استفاده قرار می‌گرفت مسدود شد (گرین و وارد، ۱۳۹۹). در نتیجه طیف عظیمی از بومیان این کشور برای دستیابی به نیازهای اولیه زندگی خود تحت فشار قرار گرفتند. این مثال، نمونه‌ای عینی از تغییر و تفسیر قوانین توسط حکومت، به منظور بهره‌برداری نامشروع از منابع ملی کشور است. نظیر همین اتفاق در کشور گواتمالا نیز به وقوع پیوسته که در آن، اجازه نامشروع حکومت برای بهره‌بردار از برخی تالاب‌های این کشور باعث از بین رفتن جنگل‌های بومی این کشور شده است (World Rainforest Movement, 2001).

از دیگر طرق تغییر قواعد بازی توسط حکومت‌های فاسد، تغییر قوانین مشروع و حقوق بشری خود و پذیرش برخی از قواعد مؤسسات و نهادهای مالی بین‌المللی، تنها با هدف همکاری و دریافت کمک از این نهادها است. به عنوان مثال، برخی از حاکمان کشورهای جهان سوم، که به دلیل فساد و فقدان دموکراسی و نیز به دلیل جنون ارتکاب کارهای بزرگ، از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، اقدام به دریافت وام و کمک‌های مالی از برخی نهادها نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول کرده‌اند (روث و فردریکس، ۱۳۹۹). الزام حکومت‌ها به بازپرداخت این بدهی‌ها، فشار مالی بسیاری را بر شهروندان این کشورها وارد می‌نماید، در حالی که این شهروندان کمترین بهره را از وام‌ها و تسهیلات اعطاشده دریافت کرده‌اند. از این رو، حکومت‌های بدهکار، به منظور دریافت همکاری بیشتر از این مؤسسات و نهادها، سعی در تغییر قوانین و سیاست‌های خود، منطبق با قوانین و سیاست‌های نهادهای اعطاکننده وام‌ها دارند. این سیاست‌ها شامل مقررات‌زدایی بازار در راستای ترویج اقتصاد نئولیبرال غربی است. این مقررات‌زدایی باعث افزایش عظیم بدهی‌های

داخلی کشورهای بدهکار شده است (Toussaint, Millet, 201۰) و چرخه دریافت وام- بدهکار شدن به کرات در این کشورها در حال بازتولید شدن است. این نکته وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم بزه‌دیده مستقیم این جرایم ملت‌ها و نه حاکمان آنها هستند. در حقیقت، حکومت‌های فاسد با استقراض سنگین از بانک‌ها و نهادهای مالی و نیز پذیرش شرایط سختگیرانه سیاست‌های آنها و انطباق قوانین داخلی خود با آنها، تنها در پی کسب سود و افزایش داریی خود هستند، حتی اگر این مسئله به بهای هزینه‌های سنگین برای شهروندانشان تمام شود. به قول یکی از نویسندگان، نتیجه این مسئله این بود که «سرمایه‌داران میلیاردها دلار سود به دست آورده‌اند و ملت‌ها را با صدها میلیارد دلار بدهی رها کرده‌اند» (Kanowicz, 2001: 127). به هر روی، آنچه که در این بحث مهم است، تغییر قواعد بازی به شکل غیرمنصفانه و یک‌جانبه توسط حکومت است که منجر به نقض حقوق شهروندان می‌شود. ممنوعیت یکباره و ناگهانی واردات یا صادرات یک کالا بدون اطلاع به فعالان آن حوزه، حمایت افراطی برای جذب سرمایه‌گذاران به یک حوزه خاص (مثلا بورس)، سپس تغییر قواعد بازی آن حوزه (مثلا کاهش شدید ارزش سهام در بورس)، مشروعیت بخشی به برخی رفتارهای ناقض حقوق بشری در قالب قرارداد آنها در حوزه تقنینی و مشروعیت بخشی ظاهری به آنها، جملگی مواردی هستند که در آنها حکومت‌ها با تغییر قواعد بازی، موجب تغییر و جابجایی نقطه زینی به سمت و به سود خود می‌شوند.

۳-۳. ارتکاب جرم حکومتی از طریق ایجاد انحصار اطلاعاتی

همان گونه که ذکر شد، شرایط اطلاعاتی مؤلفه‌ای است که در پرتو آن هر یک از کنشگران قادر به پیش‌بینی رفتارهای کنشگر دیگر شده و بر این اساس می‌توانند رفتارها و تصمیمات خود را مدیریت کرده و بنا به شرایط بهترین تصمیم را اتخاذ نمایند. بدون شک، پیش‌نیاز انجام یک بازی عادلانه بین طرفین، آزادی اطلاعات و حسن جریان آن در سطح جامعه است. از این روست که شفافیت - به معنی آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن آن برای همه افرادی که در ارتباط با تصمیمات هستند (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۱۶) - یکی از

مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب^۱ بیان شده است. به عبارت دیگر، برای آنکه هر کدام از کنشگران بتوانند با درک شرایط و موقعیت خود، بهترین تصمیم ممکن را اتخاذ کنند باید اطلاعات به صورت منصفانه و عادلانه در دسترس طرفین بازی قرار گیرد.^۲ با توجه با نکات ارائه شده، حکومت بزهکار با کاستن از شفافیت خود و ایجاد انحصار اطلاعاتی، عملاً کنشگر مقابل خود را خلع سلاح می‌نماید.

یکی از راهکارهای ارتکاب جرم حکومتی توسط حکومت‌ها، وجود رانت اطلاعاتی توأم با فقدان شفافیت در این حکومت‌ها است. به عبارتی همانطور که ذکر شد، در رانت اطلاعاتی از فاصله زمانی بین اتخاذ یک تصمیم تا اعلام عمومی و اجرای آن سوءاستفاده می‌شود. حالتی را در نظر بگیرید که بنا به تصمیم یک نهاد حکومتی قرار است در پنج سال آینده، اتوبانی در خارج از شهر احداث شود و طبیعتاً به خاطر این مسئله، زمین‌های کشاورزی که در مسیر این اتوبان قرار دارند، افزایش قیمت فوق‌العاده‌ای خواهند داشت. این زمین‌ها در حال حاضر به مردم بومی آن منطقه تعلق دارند. حکومت مردان بنا به هماهنگی سازمانی با یکدیگر و به صورت سازمان‌مند،^۳ اقدام به خرید زمین‌های کشاورزی مذکور نموده و آنها را به نفع حکومت تملک می‌کنند. در این حالت، نهاد حکومتی مذکور از رانت اطلاعاتی خود استفاده کرده و حقوق شهروندان خود را نقض کرده است. این در حالی است که اگر شهروندان از احداث اتوبان در آینده مطلع می‌بودند، یقیناً حاضر به فروش زمین‌های خود با قیمت حداقلی نبودند. در این حالت، طبیعتاً شهروندان متضرر شده قادر به بازپس‌گیری زمین‌های خود نبوده و در نهایت مجبورند این مسئله را - گرچه با اکراه - بپذیرند (نقطه زینی).

1. Good governance.

۲. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که حتی در دموکرات‌ترین کشورها نیز اطلاعات طبقه‌بندی وجود داشته و لزوماً همه اطلاعات در دسترس عموم قرار نمی‌گیرند. از این رو، در دسترس بودن اطلاعات و شفافیت در این نوشتار را باید منصرف از اطلاعات محرمانه و دارای طبقه‌بندی مربوط به امنیت ملی و حریم خصوصی کشور دانست.

۳. تأکید بر سازمانمند بودن بدین خاطر است که اساس جرم دولتی سازمان یافته و ارتکاب آن توسط دولت به عنوان یک کل است و اگر افراد به صورت شخصی و بدون کاکردی سازمانمند اقدام به ارتکاب جرم کنند، حداکثر عنوان این رفتار فساد مأموران دولت و نه جرم دولتی است.

نتیجه

از منظر نظریه بازی، جرم حکومتی مولود عواملی نظیر قدرت فائده حکومت و عدم پاسخگویی آن، تعاریف حکومتی از جرم، برتری اطلاعاتی حکومت و نهادهای حکومتی نسبت به شهروندان، وجود ضمانت اجراهای مختلف برای تخلفات شهروندان و فقدان ضمانت اجراء برای تخلفات حکومت و حکومت مردان و مواردی از این دست است. موارد برشمرده شده را تقریباً می توان از مهم ترین ویژگی های نظام های توتالیتر برشمرد که بالتبع وجود این خصایص در ساختار این گونه نظام ها، ارتکاب جرم حکومتی نیز در آنها امری بدیهی و پرتکرار است.

با توجه به نو ظهور بودن مفهوم «جرم حکومتی» و نیز فرارشته ای بودن موضوع آن، تبیین آن براساس نظریه ای چندرشته ای می تواند به مشخص شدن زوایای خاص این مفهوم کمک نماید. نظریه بازی به عنوان نظریه ای با خواستگاه علوم ریاضی و فنی که به تدریج در علوم سیاسی و بین الملل جایگاه خاصی را بدست آورده نظریه ای است که می تواند به طرز مطلوبی جرم حکومتی را تبیین نماید و توضیح دهد. در تبیین این موضوع توجه به این نکته نیز ضروری است که در تمامی موارد جرایم ارتكابی توسط حکومت ها، در نهایت حکومت و شهروندان، در یک نقطه - گرچه ناعادلانه و غیرمنصفانه - به توافق می رسند. این نقطه بنا به شرایط بازی می تواند در حالت متعادل بوده که در آن حقوق حکومت و شهروندان تا حد زیادی و توأم با هم رعایت می شود و یا در حالت عدم تعادل بوده که حقوق شهروندان نقض می شود.

با توجه به مطالب ذکر شده در این نوشتار، موارد زیر به عنوان نتایج حاصل از این تحقیق ارائه می گردند:

۱. عرصه کنشگری حکومت و شهروندان به مثابه عرصه زمین بازی است که اصل اولیه رعایت عدالت و تساوی بین کنشگران است. هر زمان که به هر دلیل، عدالت بین این دو کنشگر، و به نفع حکومت، نقض شود، بستر وقوع جرم حکومتی فراهم می شود. از اینرو از

منظر تئوریک، ایجاد عدالت بین حقوق حکومت و شهروندان، تعادل در عرصه بازی بین این دو کنشگر را موجب می‌شود.

۲. از جمله روش‌های مورد استفاده حکومت‌ها برای پیگیری اهداف خود، توأم با نقض حقوق شهروندان، استفاده و بهره‌برداری از کنشگران دیگر در عرصه بازی خود با شهروندان است. حکومت‌ها چه به صورت مستقیم و به مثابه شریک یک جرم، و چه به صورت غیرمستقیم و به مثابه معاون یک جرم، از همکاری شرکت‌های اقتصادی برای نقض حقوق شهروندان خود استفاده می‌نمایند. در این حالت، عملاً دو کنشگر (حکومت و شرکت) در مقابل یک کنشگر (شهروندان) قرار گرفته که نهایتاً به نقض حقوق شهروندان نتیجه این تغییر تعادل می‌باشد.

۳. ایجاد انحصار اطلاعاتی، فقدان شفافیت و تغییر قواعد حاکم بر بازی توسط حکومت‌ها، عملاً شهروندان را در وضعیت بی‌خبری و غفلت قرار داده و امکان اتخاذ تصمیم مناسب و متناسب از آنها را سلب می‌کند و بدین سان موجبات بزه‌دیده شدن آنها را فراهم آورده است. همچنین، این حکومت با افزایش هزینه‌های شهروندان در قبال مخالفت با تصمیمات خود مجدداً آنها را بزه‌دیده می‌نماید.

۴. کشیدن شدن نقطه زینی به سمتی که منافع حکومت در حداکثر و منافع شهروندان در حداقل باشد بیانگر ارتکاب جرم حکومتی از چشم‌انداز نظریه بازی است. بدین سان، باید با اتخاذ تدابیری از قبیل اعمال نظارت بر حکومت و کارگزاران آن،^۱ ممانعت از رانت‌های اطلاعاتی، ایجاد مسئولیت برای کنش‌های حکومت‌مردان و مواردی از این دست، سعی در تغییر نقطه زینی و حرکت آن به سمتی داشت که علاوه بر حفظ منافع حکومت و حاکمیت - به جهت لزوم اداره و تصدی جامعه و کشور - حکومت و حکومت‌مردان در قبال کنش‌های خود پاسخگو بوده و شهروندان نیز تا حد ممکن از حقوق و آزادی‌های لازم برخوردار باشند.

۱. در این خصوص رک به: مؤذن‌زادگان و غلامی (۱۳۹۵)، «سازوکارهای نظارت فعال غیرقضایی بر اقدامات ضابطان دادگستری (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و انگلیس)»، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱، صص. ۱۸۹ تا ۲۲۲.

ORCID

Nabiollah Gholami  <http://orcid.org/0000-0002-0315-4086>

Hussein Gholami  <http://orcid.org/0000-0002-0860-0348>

منابع

الف) فارسی

اردبیلی، محمدعلی؛ امیر ارجمند، اردشیر؛ قاری سید فاطمی، سید محمد؛ جاوید، محمدجواد، «اقتراح: چیستی و چرایی حقوق شهروندی؛ از نظریه قانون»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.

بیکس، برایان اچ، «فرهنگ نظریه‌های حقوقی»، چاپ دوم، ترجمه ایمانی، عباس، نشر نامه هستی، تهران، ۱۳۹۰.

ال روث، داون و فردریکس، دیوید او، «جرایم جهانی شدن، جرم حکومتی و نهادهای مالی بین‌المللی»، ترجمه غلامی نبی‌اله؛ غلامی، علی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۹.

درویشی، فرهاد؛ رمضان، ملیحه، «نقطه زینی در نظریه بازی‌ها: مطالعه موردی جنگ ایران و عراق»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۹، ۱۳۸۹.

ریچارد، اسنایدر، «نظریه بازی‌ها و تحلیل رفتار سیاسی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ترجمه طیب، علیرضا، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶، ۱۳۸۷.

سروی مقدم، مصطفی، «تفسیر مفهوم شهروند در قوانین ایران»، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، شماره ۴، ۱۳۹۳.

سیف‌زاده، سیدحسین، «مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست»، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴. صادقی سقدل، حسین؛ برومند، حسین، «تحلیل رابطه بین کارگر و کارفرما و حکومت با استفاده از نظریه بازی‌ها»، مجله تحقیقات اقتصادی، شمار ۹۸، بهار ۱۳۹۱.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق بین‌الملل عمومی»، چاپ سی و دوم، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۷.

تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریه بازی؛ غلامی | ۳۳ |

گرین، پنی؛ وارد، تونی، «جرم حکومتی، دولت‌ها، خشونت و فساد»، ترجمه غلامی، نبی‌اله، نشر مجد، تهران، ۱۳۹۸.

مرتضوی کیاسری، سید حسن؛ رباط میلی، مژگان، «نظریه بازی و کشف تقلب»، مجله حسابدار، شماره ۱۸۶، ۱۳۸۶.

موسی‌زاده، رضا، «بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی»، چاپ سی‌ام، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۰.

یگانگی دستگردی، وحید، «تئوری بازی‌ها»، دانشنامه اقتصاد شهر، شماره ۸، ۱۳۸۹. پاندستون، ویلیام، «معمای زندانی»، چاپ اول، ترجمه، کتیرایی، عباس‌علی، نشر مازیار، تهران، ۱۳۸۶.

جلال پور، شهره؛ پای فرد، کیانوش؛ فلاح، محمد، «افول مفهوم حکومت-ملت در عصر جهانی شدن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۳، ۱۳۹۴.

دوئرتی، جیمز؛ فالترگراف، رابرت، «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، چاپ پنجم، ترجمه، طیب، علیرضا؛ بزرگی، وحید، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۹.

روث، داون‌ال؛ کازلاریچ، دیوید، «بزه‌دیده‌شناسی جرم حکومتی»، چاپ دوم، ترجمه غلامی، نبی‌اله، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، تهران، ۱۳۹۹.

زراعت، عباس؛ صفری، مجید، «مطالعه تطبیقی مفهوم حکومت و مأموران حکومتی در حقوق کیفری»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳، ۱۳۹۱.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ ابراهیم‌بای سلامی، غلام‌حیدر، «بازگشت به حکومت به عنوان یک نهاد اجتماعی»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۴.

غلامی، نبی‌اله؛ عباسی، محمود، «درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی»، فصلنامه اخلاق زیستی، دوره ۷، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۶.

غلامی، نبی‌اله، «جرم حکومتی یا جرم دولتی؛ تفاوتی لفظی یا اختلافی بنیادین»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱.

غلامی، نبی‌اله، «پیشگیری از جرایم حکومتی در پرتو مولفه‌های حکمرانی مطلوب»، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۸.

حسین، غلامی؛ نبی‌اله، غلامی، «خوانشی تلفیقی از مفهوم جرم و نقش آن در کاربست تدابیر پیشگیرانه برای جرایم حکومتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۹.

مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ غلامی، نبی‌اله، «سازوکارهای نظارت فعال غیرقضایی بر اقدامات ضابطان دادگستری (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و انگلیس)»، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵.

نوابخش، مهرداد، «بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، فصلنامه جامعه‌شناسی، شماره ۵، ۱۳۸۵.

ب) انگلیسی

- D. O. Friedrichs, 'State Crime or Governmental Crime: Making Sense of the Conceptual Confusion', in J. I. Ross (ed.), *Controlling State Crime*, Edited by Ross, Jeffrey Ian. London: Transaction Publishers, 2000: 53-79.
- Human Rights Watch, *The Price of Oil: Corporate Responsibility and Human Rights Violations in Nigeria's Oil Producing Communities* www.hrw.org/reports/1999/nigeria/nigeria991-01.htm, 1999.
- Matthews, R. A. and Kauzlarich, D, 'The Crash of ValuJet Flight 592: A Case Study in State-Corporate Crime', *Sociological Focus*, 3, 2000.
- Neubeck, Kenneth and Marry Neubeck, Davita Glasberg, *Social problems: a Critical approach*, the Mc Graw Hill companies, 2007.
- Kazularih D, Mateo R, Miler WJ. *Victiminology of State Crimes*. Translated by: Ghurchi Beygi M. *Journal of Deputy of Research, Education & Citizenship Rights*. 2011: Vol 21-22.
- Kanowicz, S, "The United States Exploits Borrowing by Developing Countries." In C. Fisanick (Ed.) *Debt*. Detroit, MI: Gale/Cengage, 2001.

- RSAS Information Department, "Robert Aumann's and Thomas Schelling's Contributions to Game Theory": Analyses of Conflict and Cooperation, 2005.
- Shubic, Martin, The user of Game Theory, in James C. Charles Worth, ed, Contemporary Political Analysis, New York: The Free Press, 1964.
- Shubic, Martin (1964), Games for society, Business and War, Towards a Theory of Gaming (New York: Wiley)
- Tilly, C. (1985) 'War Making and State Making as Organized Crime', in Evans, P. B., Rueschmeyer, D. and Skocpol, T. (eds) Bringing the State Back In, Cambridge: Cambridge University Press, 1985.
- Toussaint, E. and Millet, D, "Debt, the IMF, and the World Bank", Sixty Questions, Sixty Answers. New York: taylorand francis Group, London Monthly Review Press, 2010.
- World Rainforest Movement, 'Guatemala: Security for Shrimps: Insecurity for the Local Population', World Rainforest Movement Bulletin, 51, October <[www.wrm.org.uy/bulletin/51/ Guatemala.html](http://www.wrm.org.uy/bulletin/51/Guatemala.html), 2001

استناد به این مقاله: غلامی، نبی اله & غلامی، حسین. (۱۴۰۱). تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریه بازی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری 10(38), 9-36. doi: 10.22054/jclr.2022.42028.1912



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی